

به نام خدا

عنوان: شراب در شعر حافظ

محقق: علی سوزنچی کاشانی؛

استاد: خانم دکتر شیوا زارعی، دانشگاه تهران، دانشکده فنی

چکیده

در این مقاله بر آنیم تا به درک درستی از معنی و مفاهیم لغت « شراب » در اشعار حافظ برسیم. ولی در این زمینه چالش‌هایی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها که از شاخصه‌های سبک حافظ است، استقلال ابیات و نبود « وحدت هنری » اشعار است. حتی تصور بر این است که نظم متنوع ابیات به یکنواختی اولیه تقلیل یافته‌است و هیچ وحدت حقیقی در این غزل‌ها وجود ندارد. از این رو باید برای کشف معانی و ترجمان اشعار او نیز به مطالعه مقدراری از جهان‌بینی حافظ نیز پردازیم. در کل این مقاله سعی بر این است تا مفهوم شراب در غزلیات عاشقانه و عارفانه حافظ بررسی شود و به نتایجی که در اثر کنار هم قرار دادن شیوه نگاه، تاریخ و مذهب یک شخص به نتایجی مطلوب برای درک بهتر اشعار حافظ نیاز است برسیم.

کلید واژه‌ها:

حافظ - شعر حافظ - تفسیر اشعار حافظ - شراب در اشعار حافظ - میخانه در اشعار حافظ -
ریاکاری و تزویر در اشعار حافظ - عرفان و معرفت الهی در اشعار حافظ

مقدمه

خواجه شمس‌الدین محمد ابن بهاء‌الدین شیرازی، ملقب به لسان‌الغیب، ترجمان‌الاسرار، لسان‌العرفا و ناظم‌الاولیا است که خود را متخلص به «حافظ» می‌نامد.

حافظ شاعر قرن هشتم هجری شمسی (8 قمری، 14 میلادی) است که در این دوران سبک عراقی در اشعار رواج داشت. در این سبک قصیده بیشتر جای خود را به غزل داد. روانی و استحکام جایگاه خود را به لطافت، تعبیرات و کنایات زیبا و در عین حال دقیق و ظریف دادند و نیز واژه‌های عربی در این سبک قدرت بیشتری گرفتند. مضامین اخلاقی و تربیتی از مداخله مبالغه آمیز اهمیت بیشتری پیدا کردند و اشاره به علوم مختلف از جمله طب و فقه در آثار فراوان شد. ورود تصوف و عرفان به اشعار با پیدایش آنان، از ویژگی‌های بارز دیگر این دوره است. حافظ شیرازی نیز از نمایندگان نامی این سبک است.

اهالی فارس در زمان حافظ، سنی مذهب بودند. از سوی دیگر، اولجایتو، پادشاه ایلخانی، یک سال قبل از تولد حافظ مذهب رسمی ایران را شیعه قرار داده بود. این که حافظ پیرو کدام مذهب یا فرقه اسلامی بود، مورد اختلاف صاحب‌نظران و حافظ‌پژوهان است. علی‌دشتی، حافظ را خداپرست، مسلمان و متدین می‌داند و معتقد است اگرچه به‌طور رسمی سنی و شافعی مذهب است، اما نمی‌توان او را در قالب معتقدات مذاهب و ادیان محدود کرد.

به‌نظر منوچهر مرتضوی، دشوار یا حتی محال است که حافظ را صوفی، یا عارف، یا حکیم، یا فیلسوف، یا بدبین، یا شاعر و یا ترکیبی از این‌ها دانسته شود؛ چنان‌که تعیین عنوان یا لقبی جامع و مانع برای حافظ بسیار دشوار است. حافظ در طول زندگی خود با بسیاری از پادشاهان و درباریان تعامل داشت، با اهل علم و ادب و شعر هم‌نشینی می‌کرد و از احوال صوفیان و درویشان باخبر بود. اما هیچ‌گناهی را سنگین‌تر از مردم‌فریبی و ریاکاری نمی‌دانست و همواره به افراد متظاهر در اشعارش می‌تاخت. او در دیوان خود به صوفیان فریبکار و سلاطین متظاهر به دین‌داری کنایه‌های تلخ و تندی زده و در عوض، رندی و قلندری را ستایش کرده و خود را رند و خراباتی خوانده‌است. با این حال، هم اصطلاحات صوفیانه در اشعار او به چشم می‌خورد، هم ذوق شاعرانه و هم تجلیات فلسفی و حکیمانه.

به‌باور احسان یارشاطر، حافظ در واکنش به شرایط روزگارش، به‌دنبال راه حلی است تا ریاکاری تمام کسانی را که خود را سرپرست، قاضی، و نمونه‌هایی از درستکاری اخلاقی قرار داده‌اند، آشکار کند. در نظر حافظ، اینان به‌عنوان رهبران اخلاقی و معنوی عمل می‌کنند درحالی‌که مخفیانه گناهانی را انجام می‌دهند که دیگران را به عدم ارتکاب آنها ترغیب می‌کنند. تا زمانی که شدت خصومت عمیق و پرشور حافظ نسبت به ریاکاری و بی‌دینی این شخصیت‌ها مورد توجه قرار نگیرد، درک شعر او با شکست روبه‌رو می‌شود.

طرح مساله

اما چرا درک اشعار اهمیت دارد؟

همانطور که گفته شد حافظ از بزرگترین شاعران فارسی زبان است که در قرن هشتم شمسی زندگی می‌کرد و این اشعار بخشی از فرهنگ و هویت مردم آن زمان نیز بوده‌است. اشعار حافظ از جهتی نمادی از وسعت روح انسان و پرمعنایی زندگی است که از عشق و صدق تعلیم گرفته‌است. اشعار حافظ علاوه بر عرفان مولانا، حیرت خیام را نیز در ذهن خواننده تداعی می‌کند. و در نهایت نیز حافظ با استفاده از زبان تغزلی، درباره موضوعات مختلفی چون عشق، اخلاق، فلسفه، عرفان، وعظ و حتی سیاست سخن گفته‌است.

در این بین مسئله‌ای مهم در بررسی اشعار لسان‌الغیب داریم، می و شراب در شعر حافظ به چه معناست و شراب چه جایگاهی در ادبیات حافظ دارد؟

درک این مطلب می‌تواند ما را به مفاهیم عرفانی یا حقیقی که حضرت حافظ بیان می‌نمودند نزدیک‌تر کند. از همان زمان حافظ تا به امروز، در میان عرفا و اهل ادب این مسئله باب بوده‌است که منظور حافظ از شراب و می چیست؟

گاهی این منظور جنبه‌های عرفانی و معرفتی به خود می‌گرفته و برای تشریح از می و شراب یاد می‌شده گاهی نیز اینطور برداشت می‌شده که حضرت حافظ شراب می‌نوشیده و در اشعاری هم به این موضوع اشاره می‌کرده. در ادامه مقاله به این موضوع به صورت کامل می‌پردازیم.

چرا حافظ از می و شراب در اشعارش زیاد استفاده می‌کرده؟

در جستجوی پاسخ در دل تاریخ

برای پاسخ دادن به این پرسش که چرا حافظ از شراب و می در اشعارش به زیادی استفاده می کرده باید فهم دقیقی از بستر تاریخی زیست حافظ داشته باشیم این شاعر بلند آوازه شیرازی که در طول عمر خود پای خود را بجز یکبار از شهر شیراز بیرون نگذاشته در پر التهاب ترین دوران تاریخی ایران زیست می کرد . پس از حمله اعراب به ایران ، ایرانیان در تلاش بودند که فرهنگ اصیل ایرانی را زنده کنند اما پس از مدتی ترکان غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی بر کشور مسلط شدند و همین تسلط ترکان باعث شد تا دوران پر نفوذ اعراب به سر بیاید.

گفته اند التقاط فرهنگی شکل گرفته به نحوی بوده است که خفقانی در جامعه ایرانی بروز کرده و افراد برای اینکه بتوانند حرفشان را بزنند مجبور بودند از سلاح ایهام و تمثیل و شعر استفاده کنند . در این زمان بود که شعرای بزرگی مانند سعدی و سپس حافظ سر برآوردند و جامعه به این سمت روی آورد.

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید

که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها

در اینجا به درستی حافظ از می و شراب استفاده نموده و گفته است اگر پیر مغان که راهنمای عرفا است و راه عرفانی را طی طریق کرده است به تو بگوید سجاده نمازت را به شراب آغشته کن، نه نیاور چرا که او مسیر راه رفته و از انتهای راه با تو سخن می گوید.

می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب

چون نیک بنگری، همه تزویر می کنند

در این بیت شاید به ظاهر حافظ مخاطب خودش را به شراب خواری تشویق کرده است اما در مقابل مفهوم ریا و تزویر را می بینیم، در اینجا حافظ می گوید هرچه می خواهی شراب بخور اما ریا نکن، بنظر می رسد برای اینکه مفاهیم بد ریاکاری را نشان دهد از مفهوم بسیار بد شراب خواری استفاده نموده تا اندازه بدی عمل اول را در چشم مخاطبانش بزرگ نشان دهد.

شرابی جو ز جام وجه باقی

سقامم ربهم او راست ساقی

در ابیات گذشته حافظ برای نشان دادن بدی یک عمل از عملی مانند شراب‌خواری استفاده می‌کند که زشتی آن بر همگان آگاه است؛ و بیان می‌کند این اعمال از شرب خمر نیز بدتر و زشت‌تر است. اما در این وضعیت به گونه‌ای دیگر است! در این بیت ساقی جام شراب، خداوند تبارک و تعالی قرارداد شده است. خبری از مقایسه در بیت به میان نیامده؛ پس این چه شرابی است که از خداوند می‌رسد؟ در این مقاله به جهان بینی حافظ اشاره شد و دیدیم که فردی مسلمان در دولت و حکومتی شیعه مذهب است و او کافر نیست و با دیدن ابیات مقایسه زشتی‌ها در نظر او نیز میدانیم که کامل به محیط این عمل آگاه است.

پاسخی از دل قرآن

بهتر است دوباره به خود حافظ و تخلص او برگردیم.

چرا تخلص او حافظ شد؟

خواجه شمس‌الدین از جهت این تخلص را برگزید که حافظ قرآن کریم بود. پس بیراهه نیست اگر در ابیات او به دنبال مضامین قرآنی باشیم.

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که مسئله و پاسخ را در بیت بالا برای ما روشن‌تر می‌کند: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (سوره انسان، آیه 5)

«فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (43) يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (45) لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ (47)» (سوره صافات)

طبق این آیات و آیاتی مکرر دیگر که در قرآن کریم وجود دارد، می‌بینیم که خداوند برای «متّقین» شراب‌هایی طهور و پاک قرار داده است. و در آیاتی دیگر می‌بینیم که به رغبت بهشتیان به شراب، گرداندن جام شراب، جامهای لبریز از شراب و تعارف شراب بین متّقین هستیم. اینها مواردی هستند که در محل‌های شراب‌خواری و میخانه انجام میشود و حافظ چه دقیق از این تعبیر در اشعار خود استفاده می‌کند:

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما
چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما
ما مریدان روی سوی قبله چون آریم چون

روی سوی خانه خَمّار دارد پیر ما

حال می توان شعر حافظ بدین گونه تعبیر کرد که میخانه همان بهشت است و رفتن در بهشت، یعنی قرارگرفتن در دایره « متّقین » و رسیدن به کمال و قربِ اِلّٰهِ. همچنین گفته شد که در سبک حافظ (سبک عراقی)، تربیت و پند و اندرز از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و با بازگشت به تاریخ حافظ و در نظر گرفتن فرهنگ تزویر و ریا که آن زمان در میان صاحب منصبان آن روزگار رواج داشته به زیبایی شعر حافظ پی می‌بریم. حافظ در اینجا مسجد را خانه ریا کاران دنیا قرار داده و میخانه را بهشت و خانه متّقیان.

جمع بندی

با مرور دوباره نکات و ظرافت‌های موجود در بحث این مقاله، به نتایج قابل تأمل و جالبی می‌رسیم. در بیان می و شراب اشعار حافظ به دو نوع تقسیم بندی می‌شود:

1- در مقام مقایسه، مقصود از شراب، همان شرب خمر و فعل حرامی است که در اسلام نفی شده است و زشتی آن بر همگان روشن است و حافظ برای بیان کاری بسیار کریه، از مقایسه‌اش با شراب استفاده کرده و آن را گناهی بدتر مستی و می‌گساری قرار می‌دهد.

2- حضرت حافظ در رفتن و پیشروی پیر یا مرشد به میخانه و شراب، میخانه را برابر با بهشتی که در آن شرابی طهور و گوارا است و با بیان فرار از مسجد، مسجد را مکانی در زمین برای ریاکاران و تزویر می‌داند.

در این مقاله، ما به بررسی تاثیر فرهنگ و تاریخ بر تفسیر اشعار حافظ پرداختیم. این مقاله نشان می‌دهد که برای درک بهتر اشعار حافظ، باید به تاریخ، فرهنگ، و جهان بینی او توجه کرد. همچنین، به بررسی عمیق و دقیق استفاده حافظ از تصویر شراب و میخانه در اشعار خود پرداختیم. ما نشان دادیم که حافظ چگونه از این تصاویر برای انتقاد از ریاکاری و تزویر موجود در جامعه‌اش استفاده می‌کند؛ و نیز توضیح دادیم که حافظ چگونه از تصویر شراب به عنوان نمادی از عرفان و معرفت الهی در پرتو آموزه‌های قرآن استفاده می‌کند.

منابع:

- 1- خبرگزاری ایسنا
- 2- وبلاگ برگزیده‌ها
- 3- کتاب سیر غزل در شعر فارسی
- 4- سید احمد حسینی کازرونی، 1399، شرح شراب واره های لسان الغیب حافظ شیرازی، پژوهشنامه های متون عربی دوره عراقی، دوره 1، شماره 3، صفحه 15 تا 28
- 5- جهاد فیض الاسلام، کبری رشنو، 1390، شراب گوارای الهی: تطبیق خمریه الهی ابن فارض و حافظ شیرازی، طلوع نور، سال دهم، شماره 37